

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

دانشنامه سواد فضای مجازی

جلد چهارم

دانش ارتباطی

صدرا فیروزمند، حسین غفاری، حسین حق‌پناه

سرشناسه	: فیروزمند، صدرا، ۱۳۷۶-
عنوان و نام پدیدآور	: دانشنامه سواد فضای مجازی / نویسندگان صدرا فیروزمند، حسین غفاری، حسین حق پناه.
مشخصات نشر	: تهران: باران نگار مؤسسه تربیت رسانه ای باران، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری	: ج.: مصور (بخشی رنگی)، جدول (رنگی)، نمونه (رنگی)، نمودار (رنگی).
فروست	: ابری شهر. رهیار سواد فضای مجازی.
شابک	: دوره: ۱-۹۷۸-۶۲۲-۹۱۹۴۶-۲-۱؛ ج. ۱: ۸-۹۷۸-۶۲۲-۹۱۹۴۶-۳-۸؛ ج. ۲: ۵-۹۷۸-۶۲۲-۹۱۹۴۶-۴-۵؛ ج. ۳: ۲-۹۷۸-۶۲۲-۹۱۹۴۶-۵-۲؛ ج. ۴: ۹-۹۷۸-۶۲۲-۹۱۹۴۶-۶-۹
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
مندرجات	: ج. ۱. دانش شبکه ج. ۲. دانش زیست مجازی. ج. ۳. دانش اطلاعاتی. ج. ۴. دانش ارتباطی.
موضوع	: فضای مجازی فضای مجازی -- ایران سواد رسانه‌ای -- ایران اینترنت و آموزش و پرورش -- ایران تربیت معلم -- ایران
شناسه افزوده	: غفاری، حسین، ۱۳۶۱-
شناسه افزوده	: حق پناه، حسین، ۱۳۶۹-
رده بندی کنگره	: HM۸۵۱
رده بندی دیویی	: ۳۰۳/۴۸۳۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۷۳۸۵۲۸



دانشنامه سواد فضای مجازی [جلد چهارم] دانش ارتباطی

نویسندگان: صدرا فیروزمند، حسین غفاری، حسین حق پناه
 ناشر: باران نگار (انتشارات مؤسسه تربیت رسانه‌ای باران)
 شابک جلد چهارم: ۹۷۸-۶۲۲-۹۱۹۴۶-۶-۹
 شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۹۱۹۴۶-۲-۱
 شمارگان: ۱۱۰۰
 چاپ: اول - ۱۴۰۳



انتشارات مؤسسه تربیت رسانه‌ای باران

تهران، خیابان شهرآرا، تقاطع خیابان شهید ملکوتی، پلاک ۷۰

تلفن: ۰۹۱ ۹۰ ۱۰ ۶۰ ۷۱ | وبسایت: BMTc.ir | ایمیل: @BMTc_ir

انتشارات مؤسسه
تربیت رسانه‌ای باران

این اثر با حمایت پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات منتشر شده است.

فصل

دوستی مجازی و حریم خصوصی



دوستی مجازی

کلیدواژه‌ها: بی‌جسمی - هویت جعلی - اعتماد - نمایه - خودافشایی - سکستینگ

ماهیت ارتباطات مجازی با تعاملات اجتماعی در زندگی واقعی متفاوت است. معمولاً در یک ارتباط حقیقی رودررو، افراد یکدیگر را ارزیابی ظاهری می‌کنند و بعد تصمیم به برقراری ارتباط می‌گیرند. اما در ارتباطات مجازی امکان چنین مقدماتی وجود ندارد. اینجاست که همزمان فرصت‌ها و چالش‌هایی مثل افزایش تعداد و گستره‌ی دوستان، خودافشایی، مهندسی اجتماعی و پیام‌های غیراخلاقی در دوستی‌های مجازی به وجود می‌آید.

— ارتباطات بین فردی در دنیای بی‌جسمی

جسم انسان ابزار کسب شناخت از دنیای بیرون از ذهن است. آدم‌ها با جسمشان می‌بینند، می‌شنوند، بو می‌کشند، مزه‌ها را می‌چشند، اجسام را لمس می‌کنند و به فهمی منحصر به فرد از جایگاه خویش در میان سایر اجسام و اجساد می‌رسند. سلامت یا نقص جسم، تناسب یا عدم تناسب جسمانی و زیبایی یا زشتی صورت در کیفیت برداشت انسان از محیط زندگی زمینی و کیفیت ارتباط با دیگران تأثیرگذار است. اما آدم‌ها در زندگی جدیدشان در دنیای مجازی با شرایطی عجیب روبرو هستند. آن‌ها باید بدون کمک گرفتن از جسمشان و صرفاً با توسل به ذهن، با دنیای مجازی ارتباط بگیرند. انسان از میان انبوه ابزارهای شناخت جسمانی، تنها با اتکال به «دید ناقص»، «شنوایی

محدود» و «گفتارِ الکن»، امکان مواجهه با زندگی مجازی را دارد. مجموع این محدودیت‌ها نتیجه‌ای به جز فهم ناقص از محیط مجازی و ارتباط ناپخته و پراشتباه با دیگران ندارد.

علاوه بر این، برای هزاران سال مسیر برقراری ارتباطات بین فردی از دریچه‌ی جسم عبور می‌کرده است. ویژگی‌های جسمانی آدم‌ها اولین ملاک برقراری ارتباط بین آن‌ها بوده است. در اولین لحظه‌ی مواجهه با یکدیگر، زن یا مرد، کودک یا کهن‌سال، قوی یا ضعیف، با یک نگاه مشخص می‌شده و مبدأ عمل متقابل قرار می‌گرفته. آدم‌ها با چشمشان به سرعت نشانه‌های جسمانی مثل موی سپید، سبیل تاب‌داده، لباس مندرس، کلاه نمدی، رنگ تیره‌ی پوست و ... را تشخیص داده و با خوانش خطوط چهره‌ی دیگران، امکان برقراری ارتباط را محک می‌زده‌اند. دو کودک با نگاه به قد و قواره‌ی هم - بدون هیچ پیش‌زمینه‌ی دیگر - به هم متمایل می‌شده‌اند و دو پیرمرد با دیدن ریش سپید یکدیگر به هم اعتماد می‌کرده‌اند.

در جوامع انسانی، بعد از شناسایی ظاهری، مرحله‌ی دیگری نیز در اعتماد جسمانی وجود داشته که آن را با عناوینی همچون مصافحه یا معانقه می‌شناسیم: نزدیک کردن و تماس دادن آیینی دو جسم (دست‌ها، بازوان، شانه‌ها، صورت‌ها) به نشانه‌ی اعتماد و احترام متقابل. برای هزاران سال، هم‌نشینی جسم آدم‌ها به آن‌ها حس اعتماد را القا می‌کرده؛ اعتماد به آدمی دیگر که جسمش را با وجود همه‌ی تفاوت‌ها به او نزدیک کرده است.

دنیای مجازی اما دنیایی دیگر است. دنیایی که حضور در آن نیازی به جسم انسان ندارد. آدم‌ها با ذهن خودشان و با کم‌ترین دخالت بدن‌هایشان در میان ابرها زندگی می‌کنند. آن‌ها بدون حضور جسم‌هایشان با هم برخورد می‌کنند، مرتبط می‌شوند، معاشرت می‌کنند، دوست می‌شوند، دشمنی می‌کنند و از هم جدا می‌شوند.

— مقایسه دوستی مجازی با دوستی حقیقی

دوستی مجازی به دلیل دور از دسترس بودن افراد نسبت به هم، شرایط لغزنده‌ای برای استمرار و دوام دارد. اتصال مجازی دو دوست در فضای مجازی همانند اتصال تارهای «مرد عنکبوتی»^{۶۳} به درودیوار شهر «ناپایدار» است. او هر لحظه دست خود را به سمتی دراز می‌کند و یک تار نازک را به دیواری می‌چسباند و در هوا تاب می‌خورد و در لحظه‌ای بعد، دست دیگر خود را به جایی دورتر بند می‌کند و تار قبلی را ناگهان رها می‌کند. او همچنان به تاب خوردن در فضای شهر ادامه می‌دهد بدون آن‌که تعهدی به ساختمان‌ها و دیوارهایی که به آن‌ها متصل می‌شود داشته باشد. این تمثیلی دقیق از دوست‌یابی و دوستی‌های مجازی مرسوم در شبکه‌های اجتماعی است. ارتباطی که در لحظه به وجود می‌آید، مبتنی بر کلمات و جملات

^{۶۳} Spider-Man

کادوپیچ شده بدون هیچ تعهد متقابل و مشخصی به مدتی نامعلوم استمرار می‌یابد، و در یک لحظه بدون هیچ پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری تمام می‌شود. اغلب در نهایت این رابطه، یکی از دو طرف و یا هر دو، خسران زده و دلگیرند و به سختی می‌توانند ضربه‌ی روحی وارد شده را ترمیم کنند.



شکل ۶: تشبیه دوستی مجازی به اتصال تارهای نازک و موقتی مردعنکبوتی به در و دیوار

در مقایسه با این وضعیت، صخره‌نوردی را تصور کنید که چهار دست و پا به صخره‌ای چسبیده است. او برای برداشتن هر دست یا پای خود از صخره و حرکت دادن بدنش، خوب فکر می‌کند و با احتیاط و آهستگی از دیوار سنگی بالا می‌رود. دوستی‌های حقیقی و اخلاقی، دارای چنین کیفیتی از تعهد متقابل هستند. آشنایی و صمیمیت دو طرف، بعد از عبور از حصار و دروازه‌ی «ظاهر»، به تدریج شکل می‌گیرد و دوستان ضمن درک نیاز به طرف مقابل در یک رابطه عاطفی، برای استمرار دوستی با رعایت موازین اخلاقی تلاش می‌کنند. در یک دوستی آرمانی، هم چارچوب‌های اخلاق عمومی (مثل راست‌گویی و امانت‌داری و خوش‌خلقی) رعایت می‌شود و هم طرفین به حساسیت‌های اخلاقی شخصی هم توجه دارند. رسیدن به این سطح از ارتباط اخلاقی و وفاداری به آن ناشی از حس تعهد متقابلی است که در فضای حقیقی امکان وقوع دارد و فضای بی‌جسم مجازی از آن محروم است.



شکل ۷: تشبیه دوستی حقیقی به صخره‌نوردی آهسته، گام‌به‌گام و با احتیاط

— مواجهه عاقلانه با دوستی‌های مجازی

با همه این تفاسیل، هر روز در شبکه‌های اجتماعی، دوستی‌های مجازی شکل می‌گیرد و با فراز و نشیب ادامه می‌یابد. در این شرایط چه رویکرد عاقلانه‌ای می‌تواند زمینه ارتباط سالم‌تر دوستان مجازی را فراهم کند؟

آشنایی با دیگران بدون امکان استفاده از «زبان بدن» تجربه‌ی جدیدی برای آدم‌هاست. آویختن به ریسمان «بی‌جسمی» این فایده را دارد که آدم‌ها می‌توانند از کالبد خاکی خویش رها شوند و فارغ از جنسیت، قومیت یا خصیصه‌های مادرزادی جسمانی به بازتعریف «خود» و «دیگری» بپردازند. اگر کسی به‌خاطر شرایط جسمی و ظاهری همواره پشت دروازه‌های ارتباط حضوری در انزوا و تنهایی می‌مانده، در ارتباطات مجازی راه برای او هموار است. دیگران بجای ظاهر، کلام او را قضاوت می‌کنند و به او نزدیک می‌شوند. افراد خجالتی، درون‌گراها، اقلیت‌های قومی و نژادی و همه چاق‌ها و زشت‌ها و نچسب‌ها (!) که همواره در ارتباطات متعارف حضوری، «درجه دو» محسوب می‌شوند؛ در دنیای «بی‌جسمی» مجازی می‌توانند دوستانی خوب و همراهانی عاطفی بیابند. گویی فضای مجازی امکان دوست‌یابی مبتنی بر موازین اخلاقی را هموارتر کرده است. «دقت در باطن» و «گذر از ظاهر» در دوستی از آموزه‌های متداول مکاتب اخلاقی است. چنان‌که سعدی می‌گوید: «نه هر که به صورت نکوست، سیرت زیبا در اوست، کار اندرون دارد نه پوست» دوستی مجازی نه مبتنی بر قضاوت ظاهری، بلکه می‌تواند بر اساس شناخت از افکار و اندیشه‌های دیگران شکل بگیرد و این یک فرصت بزرگ است تا افراد با دوستانی هم‌صحبت شوند که در شرایط عادی هرگز هم‌نشین آنها نمی‌شدند.

اما آیا این فقط باطن افراد است که در دوستی‌ها اثرگذار است؟ آیا واقعاً همیشه جسم و ظاهر در ارتباط و دوستی، زائد و مزاحم است؟ آیا با بررسی ظاهر دیگران، هرکسی برای خودش حریم و فاصله‌ای تعیین نمی‌کند؟ آیا این حریم ظاهری، حفظ‌کننده افراد از خطرات و آسیب‌ها نیست؟

آن‌طور که پیداست «آزادی جسمی» منجر به آزاد شدن تمنیات محبوس در ذهن‌ها می‌شود. پس به تدریج هویت آدم‌ها در زندگی مجازی از آنچه واقعاً در زمین هستند فاصله می‌گیرد و به‌سوی آنچه دوست می‌دارند یا درست می‌پندارند حرکت می‌کند. در نتیجه، دنیای مجازی جامعه‌ای متشکل از هویت‌های دست‌کاری‌شده است و آدم‌ها باید بیاموزند که در چنین جامعه‌ای اعتماد به دیگری را چگونه بدون دسترسی به جسم و صرفاً با اتکا به ذهن به دست بیاورند. مضافاً اینکه برای پر کردن خلأ شناخت ظاهری، تصاویر غیرواقعی و دست‌کاری‌شده افراد در «نمایه مجازی»^{۶۴} راهنمای دیگران می‌شود. این تصاویر معمولاً بازنمایی ناقص یا اغراق‌شده‌ای از واقعیت فرد به نمایش می‌گذارند و در کنار توضیحات نادرست و اغواکننده موجب مخدوش شدن شناخت می‌شوند.

^{۶۴} profile

متأسفانه بی‌توجهی به نقش جسم در شناخت دوستان و تنظیم رابطه با آنان نوعی سهل‌انگاری است که در اثر توسعه ارتباطات مجازی بسیار فراگیر هم شده است. مخصوصاً نوجوانان که در اوج هیجانات عاطفی، امکان کمتری برای تأمل و تدبیر در لایه‌های مختلف شخصیت دیگران دارند، به سادگی در دام دوستی‌های مجازی می‌افتند و بیشتر آسیب می‌بینند.

به‌راستی چطور می‌شود به فردی اعتماد کرد بدون آن‌که به جسم او دسترسی داشت؟ تمامی سازوکارهای پایش و مدیریت اجتماعات زمینی مبتنی بر دسترسی مجری قانون به جسم افراد طراحی شده است. لذا ضروری است قوانین جدیدی وضع شود تا امکان اعمال قانون بر هویت‌های مجازی آدم‌ها میسر گردد. تا آن موقع اما باید جانب احتیاط را نگه‌داشت و برای برقراری پیوندهای عاطفی در دوستی‌های مجازی بسیار صبور بود.

از همین رو کارشناسان تربیتی توصیه می‌کنند که «دوست‌یابی در فضای مجازی ممنوع است» اما «امتداد دوستی‌های حقیقی در فضای مجازی مجاز است» یعنی واسطه‌گری فضای حقیقی برای به دست آوردن شناخت از دیگران را به عنوان یک راهبرد عمومی در دوستی‌های مجازی باید در نظر داشت.

— چالش خودافشایی

یک تفاوت مهم بین روابط رودررو و مجازی این است که در ارتباطات مجازی افراد تمایل بسیار سریعتری به «خودافشایی»^{۶۵} دارند. خودافشایی را می‌توان «مطرح کردن داوطلبانه مطالب شخصی، علاقه‌ها، نگرش‌ها، احساسات، ارزش‌ها، اسرار و ... با دیگران» تعریف کرد. هر چند سطح خودافشایی به هنجارهای فرهنگی هم بستگی دارد، ولی عموم مردم معمولاً از ترس تمسخر یا طرد شدن از افشای اطلاعات شخصی در زندگی واقعی خودداری می‌کنند. این در حالی است که پژوهش‌ها نشان می‌دهد خودافشایی در روابط مجازی زودتر از روابط رودررو اتفاق می‌افتد. این روابط هر چند به سرعت قوی می‌شود و احساس صمیمیت بالا می‌رود؛ اما می‌تواند سریع‌تر نیز به پایان برسد، زیرا حفظ سطح بالایی از خودافشایی برای مدت طولانی دشوار است.

روانشناسان اجتماعی معتقدند که ماهیت دوستی‌های مجازی بسیار نزدیک به پدیده «غریبه در قطار»^{۶۶} است که نشان می‌دهد افراد بیش از آنچه تصور می‌شود به غریبه‌ها اعتماد می‌کنند. در این پدیده فرد با سرعت اطلاعات شخصی خود را در موقعیت عمومی برای کسی که اصلاً او را نمی‌شناسد افشا می‌کند. شاید علت این رفتار عجیب آن باشد که فرد گمان می‌کند این غریبه او را نمی‌شناسد و او را هیچگاه دوباره ملاقات نخواهد کرد. در صورتی که در فضای مجازی بسیاری از آنان که گمان می‌رود دور و غریبه هستند، ممکن است نزدیک و آشنا باشند و افشای اسرار نزد آنان تهدیدات مختلفی را ایجاد کند.

^{۶۵} Self-disclosure

^{۶۶} Stranger on the Train Phenomenon



شکل ۸: عنوان «غریبه در قطار» از فیلم سینمایی با همین نام ساخته آلفرد هیچکاک گرفته شده که در داستان آن خودافشایی ناگهانی دو مرد غریبه در قطار برای هم سرآغاز داستانی جنایی می‌شود.

از جمله توصیه‌های مهم اخلاقی در این زمینه، خویش‌تن‌داری در حفظ اسرار و رموز شخصی و «رازداری» است که از نشانه‌های وسعت روح و قدرت اراده است. انسان عاقل سینه خود را صندوقچه اسرارش قرار می‌دهد و از طریق رازداری، خود را از پیامدهای ناگوار افشای اسرار، مصون می‌دارد.

امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «راز تو، مادامی که آن را بر ملا نکردی، اسیر تو است، ولی اگر آن را فاش کردی، تو اسیرش می‌شوی.» (سِرُّكَ أَسِيرُكَ، فَإِنْ أَفْشَيْتَهُ صِرْتَ أَسِيرَهُ)^{۶۷} دعوت به رازداری و منع از خودافشایی تا جایی در مبانی اخلاقی متداول است که سعدی مضمون حدیثی از امام صادق علیه‌السلام را در گلستان چنین آورده است: «هر آن سِرِّی که در سَر داری با دوست در میان منه؛ چه دانی که وقتی دشمن گردد.»

— چالش مهندسی اجتماعی

«مهندسی اجتماعی»^{۶۸} نه یک رشته دانشگاهی، بلکه مجموعه‌ای از روش‌هاست که از آنها برای وادار کردن افراد به انجام یک عمل یا تخلیه اطلاعاتی آنها استفاده می‌شود. بدین معنا که مهاجم ضمن تعامل با شخص هدف، با قرار دادن وی در شرایط خاص اجتماعی، او را به صورت ناآگاهانه به دادن اطلاعات یا انجام اقدامی سوق می‌دهد. البته اگرچه در ارتباطات روزمره و حقیقی نیز ممکن است استفاده شوند، اما با گسترش ارتباطات بی‌جسم مجازی و میل به خودافشاگری کاربران در شبکه‌های اجتماعی سهولت و گسترش بیشتری یافته است. تصویر زیر مثالی از یک مکالمه مهندسی اجتماعی برای نفوذ به محیط کاربری در سامانه یک شرکت است که مهاجم پس از شناسایی محل کار

^{۶۷} غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۲۹

^{۶۸} Social Engineering

ارسال‌کنندگان چنین پیام‌هایی به عواقب قانونی، روانی و اخلاقی این کار همچنان محل بحث کارشناسان است و طبیعتاً در بستر جوامع غربی باید آن را تحلیل کرد. آنچه برای ما مهم است امکان سرایت این آسیب به فضای فرهنگی و دوستی‌های مجازی خودمان است.

از نظر اخلاقی شاید هشیارسازی نوجوانان نسبت به خود این پدیده محل تردید باشد. زیرا بسیاری از آسیب‌های اخلاقی با وصف آن شیوع پیدا می‌کند. اما ضروری است درباره اصل مراقبت از «نگاه کردن» و مراقبت از «دیدن شدن» تلنگرهایی در سنین مختلف به کودکان و نوجوانان زده شود. این تذکرات در کنار آموزه‌های دیگری که در دوران سنین بلوغ با هدایت والدین و مربیان امین به فرزندان منتقل می‌شود، زمینه مصون‌سازی آنان از آسیب‌های مختلفی را در ارتباطات حضوری و مجازی را فراهم می‌کند.

توجه به «نافراموشی» فضای مجازی و امکان انتشار سریع و غیر قابل بازگشت محتوا در این فضا می‌تواند چاشنی این آموزه‌های اخلاقی باشد. بچه‌ها باید بدانند به هزاران دلیل خواسته یا ناخواسته ممکن است پیام‌های خصوصی رد و بدل شده بین دو نفر در فضای مجازی از اختیار آنان خارج شده و هیچ راه بازگشتی برای آن نباشد. پس عمل به این توصیه سعدی معقول است که گفته:

«سخنی در نهان نباید گفت / که بر انجمن نشاید گفت»